



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



# الوتر الموتور و منتقم الموعود

على أكبر مهدى پور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# الوتر الموتور و المنتقم الموعود

نویسنده:

علی اکبر مهدی پور

ناشر چاپی:

نشریه موعود

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	الوتر الموتور و المنتقم الموعود
۶	مشخصات کتاب
۶	نقد و بررسی چند حدیث مشهور
۶	دست انتقام الهی در آستین غیبت
۸	بررسی حدیث از نظر سند و محتوا
۹	پاورقی
۱۲	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## الوتر الموتر و المنتقم الموعود

### مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۸۴-۴۵۹۶۲

سرشناسه: مهدی پور، علی اکبر

عنوان و نام پدیدآور: الوتر الموتر و المنتقم الموعود / مهدی پور، علی اکبر

منشأ مقاله: موعود، ش ۴۸، (آبان ۱۳۸۳): ص ۴۴ - ۴۷.

توصیفگر: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم

توصیفگر: ظهور منجی

توصیفگر: احادیث

توصیفگر: رجعت

### نقد و بررسی چند حدیث مشهور

امسال در حالی به استقبال یکهزار و یکصد و هفتادمین سالروز میلاد مسعود «موعود کعبه» می‌رویم که آستان ملک پاسبان «مولود کعبه» مورد تهاجم شدید استکبار جهانی و ایادی داخلی آن قرار دارد و کهنسال‌ترین آکادمی علمی شیعیان سخت‌ترین روزهای خود را در حیات علمی هزارساله پشت سر می‌گذارد. بسیار طبیعی است که شیعیان شیفته و منتظران دل‌باخته منجی جهانی و مصلح آسمانی، در کوران حوادث خونبار و بحران جنایات مرگبار، بیش از هر مقطع دیگری به یاد انتقام الهی، در اندیشه منتقم جهانی و در انتظار بیرون آمدن آن دست انتقام خدایی از پشت پرده غیبت طولانی باشند. باز هم بسیار طبیعی است که در این مقاطع حساس، یک سلسله تردیدها و شبهات حساب شده، از سوی تئوری‌پردازان و کارشناسان مغرض مسائل منطقه‌ای و دشمنان قسم خورده اسلام که توسط دوستان ناآگاه نیز بزرگنمایی شده، اذهان جمعی را به خود مشغول سازد. پیش از این، در برخی از فصلنامه‌های فرهنگ مهدویت، مطالبی تحت عنوان «بررسی چند حدیث شبهه‌ناک پیرامون آفتاب عالم‌تاب» به دستداران فرهنگ مهدویت تقدیم شده و شماری از احادیث مشهور ولی بی‌پایه مورد بحث و انتقاد قرار گرفته، در این نوشتار نیز به ابعاد دیگری از این مسأله می‌پردازیم و یادآور می‌شویم که حق مطلب در چند صفحه ادا نمی‌شود و بحث کامل، تألیف کتاب مستقلی را طلب می‌کند.

### دست انتقام الهی در آستین غیبت

یکی از اسامی گرامی آن ویرانگر کاخهای ظلم و استبداد و بازستاننده حقوق از دست رفته توده‌های مظلوم جهان، حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه، «منتقم» است. واژه منتقم در احادیث فراوانی به «دست انتقام الهی» اطلاق شده، که به برخی از آنها در اینجا اشاره می‌کنیم: ۱. خداوند منان در شب معراج چهره درخشان امام زمان (ع) را چون خورشیدی فروزان به پیامبر عظیم‌الشأن اسلام ارایه داده فرمود: یا محمد و عزتی و جلالی، إِنَّ الْحِجَّةَ الْوَابِغَةَ لِأَوْلِيَائِي وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِي. [۱]. ای محمد به عزت و جلالم سوگند که او حجت واجب بر دوستان من، و منتقم از دشمنان من است. ۲. نیز در شب معراج در همین باره فرمود: وَ هَذَا الْقَائِمُ الَّذِي يَحْلُلُ حِلَالِي وَيَحْزِمُ حِرَامِي وَ بِهِ أُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِي. [۲]. این ایستاده همان است که حلال مرا حلال و حرام مرا حرام می‌کند، من به وسیله او از دشمنانم انتقام می‌گیرم. ۳. روز عاشورا پس از هنگامه شهادت، فرشتگان به ضجه درآمدند و عرضه داشتند: بار خدایا با حسین،

برگزیده تو و فرزند پیامبرت چگونه رفتار کردند؟! خداوند شیخ حضرت قائم (ع) را برای آنان نمودار ساخت و فرمود: به‌هذا انتقم له من ظالمیه. [۳]. با همین - ایستاده - انتقام حسین (ع) را از ستمگانش می‌گیرم. ۴. حضرت موسی بن جعفر (ع) در تعقیبات نماز عصر عرضه می‌داشت: تو آن تعجل فرج المنتقم لک من أعداک. [۴]. و در فرج منتقم خود از دشمنانت تعجیل بفرما. نوفلی - راوی حدیث - به امام کاظم (ع) عرض کرد: این دعا در حق چه کسی است؟ فرمود: ذلک المهدی من آل محمد (ص). [۵]. این دعا در حق حضرت مهدی از آل محمد (ع) می‌باشد. آنگاه به تفصیل از سیرت، صورت و نشانه‌های ظهورش سخن گفت. [۶]. ۵. احمد بن اسحاق قمی [۷] به امام عسکری (ع) در سامرا عرض کرد: امام بعد از شما کیست؟ امام (ع) برخاسته به اندرون رفت، فرزند دل‌بندش را که حدوداً سه ساله بود و چهره‌اش چون ماه چهارده شبه می‌درخشید وارد مجلس کرد و خطاب به احمد بن اسحاق فرمود: اگر نبود که تو در نزد خدا و حجج الهی عزیز و گرامی هستی، من فرزندم را به تو نشان نمی‌دادم. احمد بن اسحاق از نشان امامت پرسید، یک مرتبه آن نور دیده لبهای نازکتر از گل‌اش را حرکت داد و به عربی فصیح فرمود: أنا بقیة الله فی أرضه، والمنتقم من أعدائه، فلا تطلب أثراً بعد عین. [۸]. من تنها بازمانده الهی هستم، من دست انتقام الهی از دشمنان اویم، پس از مشاهده دیگر از نشانه مپرس. در احادیث یاد شده، واژه «منتقم» به آن حضرت اطلاق شده است. یکی دیگر از القاب گرامی حجت خدا «الثائر» از ریشه «ثار» می‌باشد. «ثار» در لغت به معنای زیر آمده: ۱. خون مطالبه شده [۹] مقابل «طل» به معنای خون هدر رفته؛ [۱۰]. ۲. طلب خون؛ [۱۱]. ۳. خون. [۱۲]. بر این اساس «ثار» به معنای خونخواه و طالب خون است. [۱۳]. ولی خونخواهی که تا انتقام خونش را نگیرد آرام نشود. [۱۴]. «ثار» یکی از القاب حضرت بقیة الله، ارواحنا فداه، است، که خداوند منان در شب معراج حضرت مهدی (ع) را با این لقب به حبیبش معرفی نمود: ۶. حضرت احدیت جلّت عظمته، در شب معراج پس از بیان خلعت نورانی چهارده نور پاک، خطاب به خواجه لولاک فرمود: یا محمد! آیا دوست داری آنان را مشاهده کنی؟ حضرت ختمی مرتبت عرضه داشت: آری، پروردگارا. خطاب شد به طرف راست عرش بنگر. چون نگریست، نور حضرت زهرا و ائمه هدی (ع) را در حال قیام و مشغول عبادت مشاهده نمود و حضرت مهدی در میان آنان چون ستاره‌ای فروزان می‌درخشید. یا محمد! هؤلاء الحجج، و هذا الثائر من عترتک. [۱۵]. ای محمد! اینها حجت‌های من هستند و این «خونخواه» عترت تو می‌باشد. در این حدیث شریف خداوند ولیّ خودش را به عنوان «ثار» یعنی منتقم و خونخواه عترت پیامبر معرفی نموده است. در بسیاری از زیارات مأثور از پیشوایان معصوم از امام حسین (ع) «ثارالله» تعبیر شده، از جمله در فرازی از زیارت عاشورا [۱۶] می‌خوانیم: السلام علیک یا ثارالله وابن ثاره. [۱۷]. اگر معنای «ثار» : طلب خون یا خون طلب شده باشد، معنای این فراز از زیارت عاشورا؛ چنین می‌شود: سلام بر شما ای خون طلب شده الهی و پسر خون طلب شده الهی. یعنی: خونخواه امام حسین و پدرش امیرالمؤمنین (ع) حضرت احدیت است. و اگر «ثار» به معنای خون باشد، معنای فراز یاد شده چنین می‌شود: سلام بر شما ای خون خدا و پسر خون خدا. در این صورت اضافه «ثار» به سوی لفظ جلاله از باب اضافه تشریفیه می‌شود، همانند اضافه بسیاری از واژه‌ها به لفظ جلاله، یعنی همانگونه که به کعبه: «بیت الله»، [۱۸] به حضرت عیسی: «روح الله»، به حجرالاسود: «یمین الله»، [۱۹] به امیر مؤمنان: «حبل الله»، و «عین الله»، «جنب الله» و «لسان الله» می‌گوییم [۲۰] به امام حسین (ع) نیز «ثارالله» می‌گوییم. ۷. در فرازی از زیارت عاشورا می‌خوانیم: فأسأل الله الذی أکرم مقامک، أن یکرمنی بک و أن یرزقنی طلب ثارک مع إمام منصور من آل محمد (ص). [۲۱]. از خداوندی که جایگاه ترا گرامی داشت، مسألت می‌کنم که به جهت تو مرا نیز گرامی بدارد و روزی کند که خون ترا در محضر امام نصرت یافته از آل محمد (ع) مطالبه نمایم. ۸. و در فراز دیگری از آن می‌خوانیم: و آن یرزقنی طلب ثارک مع إمام مهدی ظاهر ناطق بالحق منکم. [۲۲]. مرا روزی کند که در خدمت حضرت مهدی به حق ناطق، که از شما خاندان ظهور خواهد کرد، خون شما را مطالبه نمایم. ۹. در یک حدیث طولانی امام صادق (ع) فضایل، مناقب و ویژگیهای اصحاب خاص حضرت مهدی (ع) را می‌شمارد، از جمله می‌فرماید: شعارهم یا لثارات الحسین. [۲۳]. شعار آنها «ای منتقمان خون امام حسین» است. ۱۰. امام رضا (ع) در مورد ۴۰۰۰ فرشته‌ای که از روز عاشوار در کنار قبر امام حسین

(ع) منتظر ظهور منتقم آل محمد (ع) هستید، می‌فرماید: شعار آنها: یا لثارات الحسین! است. [۲۴]. یعنی: ای خونخواهان حسین (ع). [۲۵]. یکی دیگر از اسامی حضرت بقیه‌الله، ارواحنا فداه، «الموتور» است، چنانکه حضرت رسول اکرم (ص) فرمود: و هو الطَّريد الشَّريد الموتور بأبيه وجده. [۲۶]. «مؤتور» از ماده «وتر» به معنای زیر آمده است: ۱. خون؛ [۲۷]. ۲. فرد؛ [۲۸]. ۳. نقص؛ [۲۹]. ۴. صاحب خون و طلب کننده آن؛ [۳۰]. ۵. کسی که خونی از او ریخته شده و خونش گرفته نشده؛ [۳۱]. ۶. جنایتی که بر کسی وارد شده. [۳۲]. به اولیای دم از این جهت «مؤتور» گویند که خون عزیزش ریخته شده، نقصی بر جمع او وارد شده، تنها گشته، خون عزیزش گرفته نشده، او طالب و منتقم خون عزیز خود می‌باشد. پس معنای فراز بالا- چنین می‌شود: او رانده شده از وطن است که خون پدر و نیاکانش بر زمین مانده. از اینجاست که در دهها زیارت مأثور از پیشوایان معصوم به امام حسین (ع) نیز «الوتر الموتور» تعبیر شده [۳۳] یعنی خون بر زمین مانده. امام حسین (ع) «مؤتور» است (خون بر زمین مانده) و فرزند رشیدش حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه نیز «الموتور بایه وجده» یعنی صاحب خون و خونخواه پدر و نیاکان بزرگوارش. در اینجا اشاره به این نکته خالی از فایده نیست که خون در میان مانده منحصر به سالار شهیدان نیست و صاحب خون تنها حضرت بقیه‌الله نیست، بلکه همه امامان معصوم صاحب خون و همه خونهای به ناحق ریخته شده در طول تاریخ، مورد مطالبه است: ۱۱. امام صادق (ع) می‌فرماید: ألا و بناتدرک تره [۳۴] کل مؤمن. [۳۵]. آگاه باشید که خون هر مؤمنی به وسیله ما گرفته می‌شود. ۱۲. و در زیارت مأثور از آن حضرت آمده است: بکم یدرک الله تره کل مؤمن. [۳۶]. خداوند به وسیله شما خون هر مؤمنی را می‌گیرد. ۱۳. و لذا در فرازی از دعای ندبه [۳۷] می‌خوانیم: این الطَّالِب بَدْحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ. [۳۸]. کجاست خونخواه پیامبران و فرزندان پیامبران. «دحول» جمع «ذحل» به معنای طلب کیفر جنایت [۳۹] دقیقاً همانگونه که بر مقتول واقع شده است. [۴۰]. یعنی آن دست انتقام الهی هر جنایتی را که بر یکی از پیامبران و یا پیامبرزادگان واقع شده، دقیقاً همانگونه که انجام شده، از ستمگران انتقام می‌گیرد. ۱۴. و در فراز دیگری آمده است: این الطَّالِب بَدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَا. [۴۱]. کجاست طلب کننده خون شهید کربلا؟ ۱۵. در ذیل آیه شریفه: أذن للذين يقاتلون بأنهم ظلموا. [۴۲] از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: این آیه در حق قائم (ع) است که در هنگامه ظهور، خون امام حسین (ع) را مطالبه می‌کند و می‌فرماید: نحن أولياء الدّم و طلاب التّره. [۴۳]. ما اولیای دم و طلب کنندگان خون - عزیزانمان - هستیم. در برخی از منابع به جای «التّره»، «الدّیه» آمده، [۴۴] یعنی ما اولیای دم و طالبان دیه هستیم، و در یک مورد «التّره» آمده [۴۵] که اشتباه است. ۱۶. در ذیل آیه شریفه: و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً [۴۶] روایت شده که منظور از «مقتول» امام حسین (ع) و منظور از «ولّی او» قائم (ع) است. [۴۷]. در ادامه آیه شریفه آمده است: فلا یسرف فی القتل؛ کسی که مظلومانه کشته شود برای ولّی او سیطره قرار دادیم، پس در کشتن اسراف نکند. امام باقر (ع) فرمود: الإسراف فی القتل أن یقتل غیر قاتله. [۴۸]. اسراف در قتل آن است که به جز قاتل شخص دیگری را بکشد. ۱۷. مرحوم کلینی با سلسله اسنادش از سیف بن عمیره، از اسحاق بن عمار [۴۹] در تفسیر اسراف در این آیه شریفه از امام کاظم (ع) روایت کرده که فرمود: نهی أن یقتل غیر قاتله أو یمثد بالقاتل. [۵۰]. خداوند نهی فرموده از اینکه جز قاتل شخص دیگری را بکشد و یا قاتل را مثله کند. آنچه در این دو حدیث شریف در تفسیر واژه «اسراف» در آیه شریفه آمده، کاملاً منطقی و مطابق با ضوابط شرع و محکّمات عقیدتی و فقهی ما است، ولی در مقابل حدیث دیگری در همین رابطه نقل شده که با ضوابط فقه شیعه و محکّمات اعتقادی ما سازگار نیست و احتیاج به نقد و بررسی دارد و اینک متن حدیث: مرحوم کلینی، از علی بن محمد (قتیبی)، از صالح (بن ابی حمّاد)، از حجال (عبدالله بن محمد اسدی)، از برخی از اصحابش (؟)، در تفسیر آیه و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً فلا یسرف فی القتل. [۵۱]. از امام صادق (ع) روایت کرده که فرمود: نزل فی الحسین (ع)، لو قتل أهل الأرض به ما كان سرفاً. [۵۲]. در حق امام حسین (ع) نازل شده، که اگر همه اهل زمین را در مقابل او بکشد اسراف نخواهد بود!! در منابع فراوان این حدیث به نقل از مرحوم کلینی آمده است. [۵۳].



این حدیث علیرغم وقوع آن در کتاب شریف کافی قابل اعتماد و استناد نیست، که در اینجا به طور فشرده به برخی از اشکالهای سندی و محتوایی آن اشاره می‌کنیم: اما از نظر سند ۱. مرحوم کلینی آن را از «علی بن محمد بن قتیبه نیشابوری، شاگرد برجسته فضل بن شاذان نقل کرده، که به تصریح آیت‌الله خویی قدس سره وثاقتش ثابت نشده [۵۴] تنها «کشی» بر او اعتماد کرده، مرحوم «نجاشی» پس از ستایش فراوان از کشی فرموده: او به کثرت از ضعفا روایت می‌کند. [۵۵]. ۲. علی بن محمد نیز آن را از «صالح بن ابی حماد» روایت کرده، که نجاشی امر او را ملتبس دانسته، [۵۶] ابن غضائری او را تضعیف کرده [۵۷] و علامه در حق او توقف نموده است. [۵۸]. ۳. صالح بن ابی حماد نیز آن را از «حجال» نقل کرده، و حجال در میان سه نفر مشترک است، ولی در اینجا منظور «عبدالله بن محمدی اسدی» می‌باشد. [۵۹]. ۴. حجال بدون تردید مورد اعتماد است [۶۰] جز اینکه ایشان از برخی از اصحاب نقل کرده و از او نام نبرده و خود از کسانی نیست که مرسلاتش در حکم مسند باشد. [۶۱]. ۵. علامه مجلسی نیز به ضعف سند روایت به صراحت داوری کرده است. [۶۲]. اما از نظر محتوا متن حدیث نیز مشکلاتی دارد که برخی از آنها اشاره می‌کنیم: ۱. این حدیث معارض است با حدیث دیگری که مرحوم کلینی در تفسیر همین آیه از امام کاظم (ع) روایت کرده که فرمود: منظور از اسراف که خداوند از آن در این آیه نهی فرموده آن است که به جز قاتل، شخص دیگری را بکشد و یا قاتل را مثله کند. [۶۳]. ۲. این حدیث معارض است با حدیث امام باقر (ع) در تفسیر همان آیه که فرمود: اسراف در قتل آنست که به جز قاتل شخص دیگری را بکشد. [۶۴]. ۳. این حدیث معارض است با حدیث امام صادق (ع) در تفسیر همین آیه که فرمود: اسراف در قتل آن است که بیش از یک نفر در برابر یک نفر کشته شود. [۶۵]. ۴. این حدیث معارض است با بیان ابن عباس، شاگرد برجسته حضرت علی (ع) که در تفسیر همین آیه فرمود: اسراف در قتل آن است که به جز قاتل، شخص دیگری را بکشد. [۶۶]. ۵. این حدیث معارض است با بیان سعید بن جبیر و دیگر یاران در تفسیر آیه شریفه که فرمودند: اسراف در قتل آن است که بیش از یک نفر در برابر یک تن کشته شود. [۶۷]. ۶. این حدیث معارض است با اقوال مفسران بزرگی چون شیخ طوسی که همان دو معنی را؛ در تفسیر این آیه نقل کرده‌اند. [۶۸]. ۷. این حدیث مخالف است با وصیت امیر مؤمنان (ع) که در وصیت خود خطاب به فرزندان عبدالمطلب فرمود: هرگز نبینم که به بهانه کشته شدن من خون مسلمانها را بر زمین بریزید، آگاه باشید که برای من جز قاتلم را نکشید. [۶۹]. ۸. این حدیث معارض است با مسلمات فقه جعفری که اگر بیش از یک نفر در قتل کسی شرکت کنند، ولی دم می‌تواند همه آنها را بکشد، به شرط اینکه دیه مازاد به یک تن را به اولیای دم بپردازد به اجماع طائفه امامیه، [۷۰] احادیث نیز در این رابطه بسیار است. [۷۱]. ۹. این حدیث مخالف است با اهتمام خاص اسلام بر رعایت دقیق آداب و احکام اسلامی، حتی در مورد قاتلان امام حسین (ع). از امام صادق (ع) پرسیدند: آیا خوردن مال ناصبی جایز است؟ فرمود: کسی که به تو امانتی سپرده و از تو انتظار خیر دارد، امانتش را به او برگردان، اگر چه قاتل امام حسین (ع) باشد. [۷۲]. ۱۰. این حدیث معارض است با آیه شریفه: لا تزر وازرة وزر اخرى که در پنج سوره آمده است و ما ان شاء الله در شماره دیگری به تفصیل در این زمینه سخن خواهیم گفت. علامه مجلسی علاوه بر تصریح به ضعف سند حدیث، به جهت ناسازگاری متن آن با محکمت عقیدتی ما به توجیه آن پرداخته می‌فرماید: احتمال می‌رود منظور از اسراف در این آیه از نظر کثرت نباشد، بلکه منظور این باشد که اگر همه مردم روی زمین در قتل آن حضرت شرکت کنند، یا به آن رضایت دهند، کشتن آنها اسراف نباشد. [۷۳]. در این رابطه نیز گفت و گو خواهیم داشت.

## پاورقی

- [۱] شیخ طوسی، الغیبه، ص ۱۴۸، ح ۱۰۹؛ فرات کوفی، تفسیر فرات، ج ۱، ص ۷۵، ح ۴۸؛ حمونینی، فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۱۹؛ حر عاملی، اثبات الهداء، ج ۱، ص ۵۴۹؛ خاتون آبادی، کشف الحق، ص ۱۱۴، ح ۱۷.

- [۲] شیخ صدوق، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۵۳، باب ۲۳، ح ۲؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۹.
- [۳] شیخ طوسی، الأمالی، ص ۴۱۸، مجلس ۱۴، ح ۸۹؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۲۲۱.
- [۴] شیخ طوسی، مصباح‌المتهدج، ص ۷۴، کتاب الصلاة، ح ۹۲.
- [۵] سیدابن طاووس، فلاح السائل، ص ۲۰۰، فصل ۲۱.
- [۶] مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۶، ص ۸۱.
- [۷].
- [۸] شیخ صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۸۴، باب ۳۸، ح ۱.
- [۹] ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۳۹۷.]
- [۱۰] ابوهلال، الفروق اللغویه، ص ۲۵۳.
- [۱۱] خلیل، ترتیب العین، ص ۱۱۴.
- [۱۲] طریحی، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۲۳۴.
- [۱۳] ابن اثیر، النهایه، ج ۱، ص ۲۰۴.
- [۱۴] ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۷۷.
- [۱۵] طوسی، الغیبه، ص ۱۴۸، ح ۱۰۹؛ ابن شاذان، مائه منقبه، ص ۶۵، منقبه ۱۷؛ خوارزمی، مقتل الحسین، ج ۱، ص ۱۴۷، فصل ۶، ح ۲۳؛ حموی، فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۲۰، ح ۵۷۱؛ بحرانی، غایه المرام، ج ۷، ص ۸۸، ج ۷، ص ۸۸، ح ۲۷.
- [۱۶] علیرغم برخی از افراد استاد ندیده که عنوان «علامه» را یدک می‌کشند و در سند زیارت عاشورا تردید می‌کنند، زیارت عاشورا سند بسیار قوی دارد، علاقمندان به کتاب «شفاء الصدور» از میرزا ابوالفضل تهرانی، ج ۱، ص ۳۰-۷۸ و «اللؤلؤ النضید» از شیخ نصرالله شبستری، ص ۷۱-۹ مراجعه فرمایند.
- [۱۷] شیخ طوسی، مصباح‌المتهدج، ص ۷۷۴.
- [۱۸] سوره بقره (۲) آیه ۱۲۵؛ سوره حج (۲۲) آیه ۲۶.
- [۱۹] ابن اثیر، النهایه، ج ۵، ص ۳۰۰.
- [۲۰] صدوق، التوحید، ص ۱۶۵، ب ۲۲، ح ۲؛ تستری، احقاق الحق، ج ۴، ص ۲۸۵؛ بحرانی، غایه المرام، ج ۴، ص ۸، ب ۴۲، ح ۳؛ قندوزی، ینابیع الموده، ج ۳، ص ۴۰۱، ب ۹۵، ح ۱.
- [۲۱] ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۷۷، ب ۷۱، ح ۸.
- [۲۲] شیخ طوسی، مصباح‌المتهدج، ص ۷۷۵.
- [۲۳] علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۰۸.
- [۲۴] شیخ صدوق، الأمالی، ص ۱۱۲، مجلس ۲۷، ح ۵.
- [۲۵] برای شرح واژه «لثارات الحسین» ر.ک: تهرانی، شفاء الصدور، ج ۱، ص ۲۲۷.
- [۲۶] کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۲۳، ب نص بر امام جواد، ح ۱۴؛ شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۲۷۶؛ طبرسی، اعلام الوری، ج ۲، ص ۹۲.
- [۲۷] ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۶، ص ۸۴.
- [۲۸] طریحی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۵۰۸.
- [۲۹] رازی، مختار الصحاح، ص ۷۰۷.

- [۳۰] طریحی، همان، ص ۵۰۹.
- [۳۱] ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۲۰۵.
- [۳۲] ابن اثیر، النهایه، ج ۵، ص ۱۴۸.
- [۳۳] علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۲۰۰؛ ۲۲۳؛ ۲۶۰؛ ۲۹۱؛ ۲۹۰؛ ۳۳۷؛ ۳۵۳؛ ۳۶۰.
- [۳۴] در مثال واوی معمولاً واو از اول آن حذف می‌شود و به جای آن تاء به آخر آن افزوده می‌شود، مانند «وعد» و «عدۀ»؛ «وثق» و «ثقه»، در اینجا نیز واو «وتر» افتاده و تایی به آخر آن آمده «تره» گفته شده.
- [۳۵] جاحظ، البیان والتبیین، ج ۲، ص ۵۰؛ ابن عبدربه، العقد الفرید، ج ۴، ص ۱۵۷.
- [۳۶] کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۵۷۶؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۵۵؛ صدوق، الفقیه، ج ۲، ص ۳۵۹.
- [۳۷] جمعی از بیمار دلان در سند دعای ندبه نیز ابراز تردید کرده‌اند، در این رابطه ر.ک: «با دعای ندبه در پگاه جمعه» ص ۴۰-۶۳، نشر موعود.
- [۳۸] ابن المشهدی، المزار الکبیر، ص ۵۷۹.
- [۳۹] خلیل، ترتیب العین، ص ۲۸۴.
- [۴۰] ابن فارس، معجم مقاییس اللغه، ج ۲، ص ۳۷۰.
- [۴۱] ابن المشهدی، همان.
- [۴۲] سوره حج (۲۲) آیه ۳۹.
- [۴۳] حر عاملی، اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۵۲؛ فیض، تفسیر صافی، ج ۵، ص ۱۴۵؛ بحرانی، المحججه، ص ۱۴۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۷.
- [۴۴] علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۵؛ بحرانی، تفسیر البرهان، ج ۶، ص ۵۶۵.
- [۴۵] طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۲۳۴.
- [۴۶] سوره اسراء (۱۷) آیه ۳۳.
- [۴۷] عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۳، ص ۵۰؛ حر عاملی، اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۵۲؛ بحرانی، تفسیر البرهان، ج ۶، ص ۸۷.
- [۴۸] همان.
- [۴۹].
- [۵۰] کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۳۷۱.
- [۵۱] سوره اسراء (۱۷) آیه ۳۳.
- [۵۲] کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۱۲، ح ۳۶۴.
- [۵۳] استرآبادی، تأویل الآیات، ج ۱، ص ۲۸۰؛ بحرانی، تفسیر البرهان، ج ۶، ص ۸۵؛ همو، حلیه الأبرار، ج ۵، ص ۴۰۶؛ مشهدی، کنز الدقائق، ج ۷، ص ۴۰۳؛ فیض، تفسیر صافی، ج ۴، ص ۴۰۸؛ حویزی، نور الثقلین، ج ۳، ص ۱۶۲.
- [۵۴] خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۹، ص ۵۴.
- [۵۵] نجاشی، رجال، ص ۳۷۲، رقم ۱۰۱۸.
- [۵۶] نجاشی، رجال، ص ۱۹۸، رقم ۵۲۶.
- [۵۷] ابن الغضائری، رجال، ص ۷۰، رقم ۷۳.
- [۵۸] علامه، رجال، ص ۲۳۰.

- [۵۹] مدرس، ریحانه‌الادب، ج ۲، ص ۲۲.
- [۶۰] نجاشی، رجال، ص ۲۲۶، رقم ۵۹۵.
- [۶۱].
- [۶۲] مجلسی، مرآت العقول، ج ۲۶، ص ۲۳۸.
- [۶۳] کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۳۷۱.
- [۶۴] عیاشی، تفسیر، ج ۳، ص ۵۰؛ حر عاملی، اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۵۲؛ بحرانی، تفسیر البرهان، ج ۶، ص ۸۷؛ همو، حلیه الأبرار، ج ۵، ص ۴۰۵.
- [۶۵] کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۲۸۵.
- [۶۶] ثعلبی، تفسیر الکشف والبیان، ج ۶، ص ۹۷.
- [۶۷] سیوطی، الدر المنثور، ج ۴، ص ۱۸۱.
- [۶۸] طوسی، التبیان، ج ۶، ص ۴۷۶.
- [۶۹] نهج البلاغه، بخش نامه‌ها، وصیت ۴۷.
- [۷۰] ابن زهره، غنیه، سلسله الینایع الفقهیه، ج ۲۴، ص ۲۴۴.
- [۷۱] کلینی، کافی، ج ۷، ص ۲۸۳.
- [۷۲] کلینی، کافی، ج ۸، ص ۲۴۵، ح ۴۴۸.
- [۷۳] مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۱۹.

### درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و

رایانه‌ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم‌السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزارهای علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت‌های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزارهای تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

